

شهرنامه‌های استان گلستان / ۱۶

مراوه

تاریخ، سرزمین، فرهنگ

تألیف:

اشکان فروتن

با همکاری:

شهناز بیگی بروجنی

نشر سانش - ۱۳۹۰

سرشناسه : فروتن، اشکان، ۱۳۴۶ -
 عنوان و نام پدیدآور : مراوه: تاریخ، سرزمین، فرهنگ / تألیف اشکان فروتن، با همکاری شهناز بیگی
 بروجنی؛ به سفارش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان.
 مشخصات نشر : تهران: رسانش، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۳۷۶ ص. : مصور، جدول، نمودار.
 فروست : شهرنامه‌های استان گلستان؛ [ج. ۱۶].
 شابک : 978-600-5011-57-9 : دوره؛ 5-39-978-600-5011-9۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : کتاب‌نامه.
 یادداشت : نمایه.
 موضوع : شهرها و شهرستان‌ها -- ایران -- گلستان
 موضوع : مراوه
 شناسه افزوده : بیگی بروجنی، شهناز، ۱۳۵۰ -
 شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان
 شناسه افزوده : شهرنامه‌های استان گلستان؛ [ج. ۱۶].
 رده‌بندی کتبی : ۱۲۹۰ ج. ۱۶ ۴۵ ف ۹ الف / ۱۴۷ HT
 رده‌بندی دیویی : ۳۰۷/۷۶۰۹۵۵۲۱۲۹
 شماره کتاب‌شناسی ملی : ۱۴۵۲۹۱۹



نشر رسانش

تهران: بهار شمالی، شکیبا، شیرازی، پلاک ۷، واحد ۲.
 تلفن: ۰۹۱۲۱۳۰۹۱۳۱ تلفکس: ۰۷۷۵۲۰۵۳۶ rasanesh.pub@gmail.com

مراوه (تاریخ، سرزمین، فرهنگ)

اشکان فروتن

با همکاری: شهناز بیگی بروجنی

طرح جلد و صفحه‌آرایی: علیرضا علی‌نژاد

ناشر: رسانش

لیتوگرافی: فیلم گرافیک

چاپ: متین

صحافی: ولیعصر

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

این کتاب به سفارش و سرمایه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان تألیف و انتشار یافته است.

قیمت ۹۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیش گفتار.....
۱۷	محتوای هر کتاب.....
۲۹	سپاسگزاری.....
	بخش اول: تاریخ
۳۵	فصل اول: وجه تسمیه.....
۳۹	فصل دوم: مراوه در روزگار باستان.....
۴۵	فصل سوم: مراوه در دوران اسلامی.....
۵۸	فصل چهارم: آثار باستانی و تاریخی.....
	بخش دوم: سرزمین
۱۳۱	فصل اول: جغرافیای طبیعی.....
۱۶۱	فصل دوم: جغرافیای انسانی.....
۱۸۵	فصل سوم: جغرافیای اقتصادی.....
۱۹۶	فصل چهارم: جغرافیای سیاسی.....
۲۰۴	فصل پنجم: دانشنامه آبادی ها.....
	بخش سوم: فرهنگ
۲۸۱	فصل اول: فرهنگ عمومی.....
۲۸۷	فصل دوم: فرهنگ و آموزش.....
۳۱۲	فصل سوم: مشاهیر فرهنگ و هنر.....
۳۱۹	سرچشمه ها.....
۳۶۵	نمایه ها.....

سازمان دهی طرح دانشنامه شهرستان های استان گلستان (شهرنامه های علمی، فرهنگی هنری)

مدیریت عالی: هسته پژوهشی «مرکز مطالعات تاریخ ایران زمین» (ممتاز)

مجری طرح: اشکان فروتن

قائم مقام طرح: شهناز بیگی بروجنی

مدیران گروه های تخصصی: دکتر زکریا رستگار - فریبا احمدی - دکتر
ارمیا نجمی - دکتر محمود فرزانه

مشاوران عالی: حجت الاسلام محمدعلی اسکندری - دکتر حبیب الله
عظیمی - دکتر جمشید صداقت کیش

مدیر روابط عمومی و رسانه: حدیجه جلالی عزیزیان

دبیرخانه عالی مدیریت اجرایی و نظارت: قدرت دائمی - مرتضی
مارزلو

ناظر عالی: دکتر غلامرضا منتظری

گروه ناظران: صفرعلی اخلی (معاون مالی اداری)؛ ابوالحسن امامی
(معاون هنری)؛ حسین ثبوتی (معاون فرهنگی و مطبوعاتی)؛ حسین
قلندری؛ ابوالفضل نجف زاده

مدیر اجرایی طرح: محسن علی نژاد قمی

امور گرافیک: علیرضا علی نژاد

مشاور امور گرافیکی: مریم شعبان

گروه نمایه سازی (اعلام): نیلوفر بهنام، نازنین بهنام، سکینه درزی تبار
شفیعی، شهرام قلی پور گودرزی

پیش گفتار

شهرنامه نویسی

تاریخ های محلی یا شهرنامه ها، حافظه تاریخی شهرها محسوب می گردند. آگاهی های موجود در شهرنامه ها، اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی هستند.

به همین جهت، در مقایسه با تاریخ های عمومی، به طور عمده حاوی اطلاعات دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند.

به همین جهت است که می توان خیمه تاریخ عمومی یک کشور را بر فراز تاریخ های عمومی آن برافراشت. به عبارت دیگر، تاریخ عمومی یک کشور در حکم جدول متقاطعی است که خانه های آن را شهرنامه ها می سازند.

شهرنامه ها، امتیازات ویژه ای دارند، چرا که حاوی جزئیات بوده و پر از مواد کمیاب و نادرند و مملو از اطلاعات ذی قیمتی درباره سلسله های محلی و زندگی نامه های بزرگان و احوال اجتماعی هستند.

در یک نگاه، تاریخ نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک مکان جغرافیایی (شهر، ایالت، ناحیه) می پردازد. دکتر یعقوب آژند (ی. میاندوآبی) در این باره می گوید:

«از نحله‌های دیگر تاریخ‌نگاری در ایران، تاریخ‌نگاری محلی بود که به خصوص در پیش از دوره صفویان و نیز در دوره قاجار از اعتنای ویژه مورخان برخوردار شد.

این نوع تاریخ‌نگاری، از حس شهر وطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را در دل تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان آنها بوده است.

گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ایالات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز، به خصوص در کیفیت وضع مالیات‌ها و طرز وصول آنها، اهمیتی درخور داشته است.

در تاریخ‌نگاری محلی ایران هم نوعی تداوم نهفته بوده و ذیل نویسی از ویژگیهای آن برشمرده می‌شده است.

نویسندگان در ادوار مختلف، سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتضای زمان بدان می‌افزودند.

از آن جا که تفاخر محلی و بومی عامل مهمی در ظهور و رشد این نوع تاریخ‌نگاری بوده، از این رو در آن وجود افسانه‌ها و روایت‌های گزافه از برای بزرگنمایی یک شهر و یا منطقه اندک نیست.

تاریخ‌نگاری محلی نوعی شهرشناسی در دل تاریخ است که اطلاعات جامع و همه جانبه درباره کیفیت و چگونگی به وجود آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام‌آوران علم و ادب و هنر آنها، بناها و عمارات و مزارات و خصوصیات جغرافیایی و حتی اقتصادی و اجتماعی دارد.

در بعضی از تواریخ محلی اطلاعاتی آمده که در تواریخ دیگر نمی‌توان سراغ گرفت.^۱

بدون شک، وجه اصلی و مشخصه شهرنامه‌ها، پیوند آن با یک عرصه جغرافیایی محدود و مشخص است. عناصر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و یا اقتصادی در تعیین و تشخیص آن دارای تقدم نیستند و همگی مؤخر بر عامل جغرافیایی واقع می‌شوند.

تاریخ محلی به عنوان جزئی از تاریخ ملی، اساساً به مانند امر جزئی، معنا، مفهوم و موفقیت خود را از امر کلی می‌گیرد.

شهرنامه‌ها یا تاریخ‌های محلی عموماً منفردند و به طور خاص به یک محل یا یک خاندان محلی می‌پردازند؛ مانند:

۱. تاریخ نیشابور، نوشته حاکم نیشابوری
۲. تاریخ بیهق، نوشته ابوالحسن بیهقی ابن فندق
۳. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، نوشته معین‌الدین

اسفزاری

۴. فضایل بلخ، نوشته صفی‌الدین ابوبکر عبدالله
۵. بدیع الزمان فی وقایع کرمان، افضل کرمانی
۶. تاریخ یزد جعفری، نوشته جعفر بن محمد جعفری
۷. آثار المعجم، نوشته فرصت‌الدوله شیرازی
۸. فارس نامه ناصری، میرزا حسن فسایی
۹. تاریخ کرمان، نوشته احمد علی خان وزیری
۱۰. نصف جهان فی تاریخ اصفهان، نوشته محمد مهدی بن

محمد رضا

۱۱. مرآة القاسان، نوشته عبدالرحیم کاشانی

۱۲. تاریخ قم، نوشته صاحب بن عباد

۱۳. تاریخ طبرستان، نوشته ابن اسفندیار

۱۴. تذکره شوشتریه، نوشته باقر حسینی شوشتری

۱۵. تاریخ گیلان، نوشته عبدالفتاح مؤمنی

شهرنامه‌ها، معمولاً به تاریخ و جغرافیای محلی، انساب، علم حدیث، مزارات و امور وقفی، دیوانی و ایل شناسی نیز می‌پردازد.

برخی معتقدند که یکی از راه‌های مهم بیان توانایی‌ها و آگاهی‌های گروهی، پرداختن به شهرنامه نویسی و تاریخ نگاری محلی می‌باشد، که همیشه و در همه ادوار تاریخی مورد نظر مورخان بوده است.

همه مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، ارتباط قوی و مستحکمی را که میان انسان و زادگاهش موجود می‌باشد، درک کرده و در صدد بیان آن به شیوه‌های گوناگون می‌باشند.

عموماً شهرنامه یا تاریخ محلی را فردی می‌نگارد که در آن محل متولد شده یا در آن جا زندگی کرده باشد. اولین عامل اصلی تمایل به تاریخ محلی نویسی، وطن دوستی و احساسات ناسیونالیستی است.

ذکر فضیلت شهر یا منطقه در تاریخ‌های محلی، به دلیل شناساندن موقعیت منطقه‌ای، سیاسی، فرهنگی و تاریخی آمده و در عمل نمادی از احساس نیاز به ارزشمندی زاد و بوم و بزرگداشت آن شهر از سوی نویسنده بوده است.

توجه به ریشه تاریخی شهرها، از دیگر شاخص‌های تاریخ نگاری محلی است. در این خصوص، نوعی تمایل به سمت ایران باستان و یافتن

هویت تاریخی برای منطقه مورد بررسی در نوشته‌های این کتاب‌ها دیده شده و در اصل نشان دهنده تلاش نویسندگان برای نشان دادن قدمت تاریخی بنای شهرها است.

علاوه بر این، داستان‌های بسیاری از شاهان اسطوره‌ای ایران، نظیر «کیانیان» و «پیشدادیان» در تاریخ‌های محلی دیده می‌شود، که معمولاً ریشه در خدای نام‌ها و شاهنامه‌ها داشته‌اند.

این تلاش‌ها بیشتر در قالب هویت بومی جای گرفته است، تا هویت ملی؛ زیرا اولاً مورخ تاریخ محلی فقط درصدد است منطقه خود را بشناساند، ثانیاً تلاش باستانی منطقه را با دوره اسلامی پیوند زده است.

شهرنامه‌ها، توجه ویژه‌ای به زندگی و اجتماع همه طبقات اجتماعی به خصوص طبقات و گروه‌های پایین جامعه و مردم عادی دارند، کاری که از گونه‌های دیگر تاریخ نگاری کمتر برمی‌آید.

عده‌ای نیز بر این باورند که تاریخ‌های محلی، واکنشی علیه تمرکزگرایی سلسله‌های بزرگ بوده است و انگیزه اصلی مورخانی که به تاریخ‌های محلی می‌پرداختند، کسب افتخار برای منطقه خود و اعتقاد به این بود که رویدادهای سرزمین‌شان، شایسته ضبط در تاریخ است.

تاریخ‌های محلی، بیش از تاریخ‌های عمومی به بررسی شخصیت‌ها و تشکیلات اداری و اجتماعی می‌پردازد. تقریباً همه تواریخ محلی با توصیف جغرافیای منطقه و تأثیر آن بر تاریخ منطقه ادامه می‌یابد. در بیشتر این آثار، به رویدادهای مهمی که به بنیان شهر یا شهرهای منطقه انجامیده، پرداخته شده است.

مورخان محلی به سبب آشنایی با سنت محلی، با کسانی که درباره آنان می‌نویسند، احساس نزدیکی دارند و نگرش آنان به واقعیات اجتماعی با رویکرد طبقه حاکم تفاوت دارد.

تاریخ‌های محلی، در حیطه مطالعات میان رشته‌ای قرار داشته و از یافته‌های جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، زمین‌شناسی، جغرافیا، ادبیات، آمار، تراجم و مانند آن بهره می‌گیرند.

مهم‌ترین منابع شهرنامه‌ها و تاریخ‌های محلی در شهرها، در مرحله نخست مردم هستند و در مرحله بعد، محیط فیزیکی و ساختار طبیعی و مصنوعی ساخت انسان و در مرحله آخر مؤسسات و نهادهای انسانی که در یک شهر رشد می‌کنند.

شهرنامه‌های استان گلستان

۱. در دهه هفتاد، اشتیاق ایجاد نگارش شهرنامه‌ها در قالب نهادها یا سازمان‌های دولتی و نیمه دولتی، به شکل مراکز استان‌شناسی تحقق یافت و «مرکز کرمان‌شناسی»، به عنوان پیشگام و مؤسسی این ابتکار، زمام کار را به دست گرفت و ده‌ها کتاب «شهرنامه» درباره شهرهای استان کرمان به زیور طبع آراسته گشت.

نیک اندیشانی چون دکتر محمدعلی گلاب زاده و تیم کارشناس و مبتکر او، قفسه‌های کتابخانه‌ها را از کتاب‌های ارزشمند شهرنامه‌های کرمان، سیرجان، ماهان، چترود، شهر بابک، کهنوج، جیرفت، زرنده، کوهبنان، قلعه گنج، راور و مانند آن انباشتند و حافظه تاریخی و جغرافیایی ایران‌شناسی را به داده‌های شگرف خویش آراستند.

دیگر استان‌ها نیز بیکار ننشستند و «خراسان‌شناسی»، «یزدشناسی»، «اصفهان‌شناسی» و «فارس‌شناسی» نیز به راه افتاد و علی‌رغم کاستی‌ها و تنگ نظری‌ها، بر حجم و محتوای تاریخ‌های محلی ایران افزودند.

۲. طرح شهرنامه‌های استان گلستان از سوی نگارنده در آذر ماه ۱۳۸۷ به شورای فرهنگ عمومی استان گلستان ارائه گردید و منجر به عقد قرارداد در تاریخ ۱۳ اردی‌بهشت ماه ۱۳۸۸ با کارفرمای طرح گردید.

پیگیری‌های مجدانه دکتر غلامرضا منتظری، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان در تصویب این طرح الگوی ملی بسیار مؤثر بود.

۳. هنگامی که انجام طرح پژوهش و نگارش کتابخانه‌ای - میدانی «شهرنامه‌های استان گلستان» را بر عهده گرفتم، می‌دانستم که «انتخاب» شده‌ام تا با خلق چند اثر کوچک و کم حجم، از «آفرینش» این استان سرسبز و رؤیایی و مردم مهربان و سختکوش و تاریخ سازش تشکر کنم و بخش اندکی از آن چه را که می‌توان داشته‌ها و شایستگی‌های مردم این سامان دانست، به رشته تحریر درآورم.

۴. تحقیق درباره استان گلستان، کار آسانی است. مانند همه کارهایی که یک واحد جغرافیای بزرگ را شامل می‌گردد، با موانع و مشکلات بسیار اندک و محدودی روبرو شدم، که در کوتاه‌ترین زمان ممکن رفع می‌شد و به یاری تلاش و تجربه، راه خویش را به سوی موفقیت هدفمند و زمان بندی شده و نظام‌مند و اصولی به پیش می‌بردم.

۵. بنای من در این پژوهش، بر چند قاعده استوار می‌باشد:

۵-۱ انتشار حداکثری داده‌های اطلاعاتی مورد نیاز: آمار و اطلاعات

منتشره توسط دستگاه‌های دولتی، به صورت مکتوب یا رسانه‌ای (ایترنتی)، توهم محرمانه‌سازی را بی‌اثر نموده و اهتمام بر اصل اطلاع‌رسانی عمومی به شیوه «معقول» و «مناسب» در سرلوحه تحقیقات ما قرار داشته است.

محرم ندانستن مردم عزیز و قدرشناس، به بهانه‌های واهی برگرفته از اذهان مسموم و رشد نیافته و تخیل بافی تأثیر منفی «آگاهی» مردم از وضعیت موجود، حتی یک لحظه هم به مخیله پژوهشگران طرح، خطور نکرده است.

۵-۲ نگاه شهرستانی: این کتابچه‌ها، بر اساس نگاه شهرستانی تنظیم شده است، نه مبنا قرار دادن مرکز هر شهرستان.

در برخی از شهرستان‌ها، مرکز شهرستان از سابقه و موقعیت تاریخی و جغرافیایی خاصی برخوردار نیستند و پرداختن به شایستگی‌های توابع آن شهرستان، ظلم به تاریخ و فرهنگ آن منطقه محسوب می‌گردد.

تقسیم متن و محتوای کتاب‌ها به گونه‌ای بوده که محور نوشتار بر هویت «شهرستانی» باشد، یعنی اگر گفته می‌شود شهرستان ۷۰۰۰ ساله فلان، هیچ گاه منظور من قدمت ۷۰۰۰ ساله مرکز آن شهرستان نیست.

۵-۳ زاویه دید عام: مخاطب این آثار «عموم» مردم هستند، با پرهیز از «ساده نویسی»، مستند و واقعی بودن نوشته، یکی از بدیهی‌ترین اصول رعایت شده در این پژوهش است.

سعی و اهتمام من بر این بوده که به تبلیغ و ترویج افسانه‌ها و «خرافات» نپردازیم، در عین حال که به ارزش‌های «حسنة» سنتی مردم نیز احترام بگذاریم.

۴-۵ اجتناب از تلخ‌نویسی: هدف غایی این پژوهش، تدوین شناخت‌نامه شهرستان‌های استان گلستان است و نه «مصیبت‌نامه» یا «رنج‌نامه» نویسی.

روستاها «محروم» اند و شهرها «توسعه نیافته». بسیاری از مردم، از فقر و بیکاری و بیماری و اعتیاد و تبعیض رنج می‌برند. دردهایی که روزی با پشتکار همین مردم «درمان» خواهد شد.

این طرح، هرگز به سمت «عیب‌یابی» وضعیت موجود، ارائه راه حل و درمان نواقص و بیان نیازهای هر بخش از جامعه، قدم برنداشته است. این کتاب‌ها، شناخت‌نامه یا به عبارت دقیق‌تر شناسنامه فرهنگی هر شهرستان است، که به مردم ایران و جهان معرفی می‌گردد.

در هیچ موردی، نه راه «غلو» را پیموه‌ایم و نه به بیراهه «تملق» افتاده‌ایم. به مدح و ثنای هیچ مدیری اهتمام نداشته‌ایم و کوچه دلدادگی ما به مردم «گل» اندیش استان «گلستان»، از ثبت قله‌های بلند و سترگ داشته‌ها و شایستگی‌های آنان است و بس.

۵-۵ اجمال نویسی: زبان نگارش «پژوهشی» و «بدون تکلف» است، بر مبنای «اجمال» و «جامع» نویسی.

در این ۱۸ جلد، بر بخشی از تاریخ و فرهنگ این استان، که «تاریک» و در «عُبار» مانده است، نور افکنده شده است. و صد البته، خانه چراغانی شده، تنها به مدد فکر و همت فرزندانش هویت و معنا یافته است.

۶. وجود منابع مکتوب قابل قبول، آمارها و اطلاعات دقیق و دسته‌بندی شده، اسناد تاریخی متقن در کتابخانه‌های مهم کشور و نویسندگان و مؤلفان و اشخاص مطلع و اهل قلمی کارآزموده و دلسوز،

مهم‌ترین امتیاز این استان، برای پژوهش‌های علمی و آکادمیک محسوب می‌گردد.

۷. حاصل ۸۳۹ شبانه روز پژوهش (۴۷٪ کتابخانه‌ای، ۲۲٪ اینترنتی، ۳۱٪ میدانی)، فراروی دیدگان شماست. این کتاب‌ها، سرآغاز پژوهش‌های عمیق و درخور شایستگی‌های استان گلستان، در فرداها و پس فرداهاست.

شنبه، ۱۸ تیر ماه ۱۳۹۰
اصفهان. اشکان فروتن